

چه کسی مشغول تدارک "فتنه" 92 است؟!

تقی روزبه



چه بسا بهم خوردن تعادل تاکنونی رژیم، بتواند فرصت هائی برای پیشروی جنبش مستقل ضداستبدادی- مطالباتی و براساس دست آوردهای تجربه 88 فراهم آورد.

آماده سازی افکارعمومی توسط باند حاکم برای وقوع فتنه ای خطرناک تراز "فتنه 88":

گرچه سردمداران رژیم دایما از بروز فتنه 92 و فتنه ای حتی بزرگتر از سال 88 سخن می گویند، اما آن چه که در پشت این شباهت سازی ها و هشدارها جریان دارد، جز نعل وارونه زدن و آدرس غلط دادن به افکارعمومی درمورد نقشه های از پیش تنظیم شده اتاق مهندسی "انتخابات" از یکسو و غبار آلوده کردن فضای عمومی برای ممانعت از اتخاذ اقدامات مستقلانه و انتظارکشیدن و نظاره گرشدن، از سوی دیگر نیست. عبارت دیگر انتظارکشیدن و نظاره گرشدن نیست؛ درحقیقت ایجاد فتنه توسط خود حاکمیت بخشی از سناریوی مهندسی انتخاباتی رژیم است برای بیرون کشیدن رئیس جمهورمورد نظریت رهبری و بخش های نظامی- امنیتی از دل صندوق و خنثی کردن کارشکنی های احتمالی دولت در کنترل آن. نباید فراموش کنیم که کانون مشخص منازعات درآستانه انتخابات اساسا روی آنکه چه کسی صندوق را کنترل کند می باشد. هرچه به زمان برگزاری نزدیک ترشویم شمارش معکوس و اقدامات تدارکاتی برای شروع این فتنه شتاب بیشتری خواهد گرفت و جزئیات بیشتری از آن توسط خود دست اندرکاران رژیم انتشارخواهد یافت.

علاوه بوجود قرائن و نشانه های متعدد، اماسخنان اخیریکی از سرداران مهم سپاه با توجه به آن که مسئولیت مستقیم مهندسی انتخابات و قابلیت آن را برعهده دارد، حائز اهمیت است: به گزارش ایلنا "پاسدارمحمدعلی آسودی معاون فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولایت فقیه در سپاه پاسداران اظهارداشت که فتنه ای عمیق تر و گسترده تر از فتنه 88 در پیش داریم و این فتنه در انتخابات 92 قبل از انتخابات است، به شکلی که برخی می گویند اگر این چنین نشود، انتخابات را برگزار نمی کنند و آن را تحریم می کنند".

البته سخنانی قریب به این مضمون بارها و بانحاء گوناگون توسط این یا آن مقام سپاه و یا سایر دولتمردان و عناصر نزدیک به بارگاه رهبری مطرح شده است، چنان که اخیرا یکی از عناصر جبهه پایداری و وابسته به مصباح یزدی از وجود طرح و نقشه و آمادگی جناح حاکم برای مقابله و خنثی کردن نافرمانی احتمالی دولت در برگزاری انتخابات پرده داشت. پخش فیلم برکناری بنی صدر از سیمای رژیم، آن هم در شرایطی که به "انتخابات" نزدیک می شویم آشکارا حاوی پیام مشخصی بود که احتمال وقوع حوادث وسعت و سوی مشابه آن رویدادها و آماده سازی افکار عمومی برای وقوع آن را نشان می دهد. اگر درکنار نشانه های فوق، تنش های اخیر بین دولت و بخش های دیگر حاکمیت، یعنی مجموعه کشاکش و واکنش های مربوط به سخنان و رفتارهای احمدی نژاد در مراسم تدفین چاوز (از جمله لمس فیزیکی ابراهیم مدردی احمدی نژاد با مادر چاوز که ارکان سراسر ریا و فریب دکانداران مذهبی و نظام را به لرزه افکند) که در واقع نوعی دهن کجی آشکار به رقبا و چوب حراج زدن به ارزش های رسمی و شناخته شده نظام و افسوسگرای حاکم در برابرانظار جهانی بود و موجی گسترده از خشم و تأسف و تهدید مراجع و روحانیون و خطیبان نماز جمعه و دیگر دولتمردان نزدیک به بیت رهبری را برانگیخت درکنار اقدامات دیگری چون برگزاری همایش نروزی را در نظر بگیریم، معلوم می شود که هرچه به زمان انتصابات نزدیک تر می شویم، نقشه و خواست خامنه ای مبنی بر کنترل هدایت و فرود آرام این هواپیما بر باند فرودگاه، بیش از پیش دشوارتر شده و شانس موفقیت را از دست می دهد و با احتمال قوی ما با یک فرود اجباری و کنترل نشده و احیانا حادثه برانگیزی مواجه خواهیم شد. در واقع ناامیدی از فرود آرام و بدون سرو صدا و تلفات، امری که خامنه ای بدلیل نقش اصلی که در برکشیدن و حمایت همه جانبه از احمدی نژاد داشته، بیش از هرکسی برآن اصرار داشته و شکست در آن، شکست بیلان عملکرد و افزایش آسیب پذیری موقعیت وی نیز تلقی می شود، عملا با ناکامی مواجه شده و یا حداقل نشانه های بارزی از شکست آن مشاهده می شود.

در سخنان سردار آسودی با توجه به نقشی که سپاه و بیت رهبری در تنظیم این سناریوها دارند و جایگاه او در پیوند با این هردو نهاد، دونکته بیش از همه جلب توجه می کند: یکی آن که سخن او جنبه اخباری داشته و به نوعی اطلاع رسانی محسوب می شود تا سخن گفتن مبتنی بر حدس و گمان و ارزیابی این یا آن سیاستمدار از سیر تحولات، دیگر آن که وی زمان وقوع آن را برخلاف جنبش اعتراضی ۸۸ (یا بقول او و جناح حاکم، فتنه ۸۸)، پیش از انتخابات و به شکل عدم برگزاری

انتخابات- و توسط دستگاهی که قانونا متصدی برگزاری آن است، یعنی دولت و وزارت کشور می داند. چنین زمزمه هائی در پایان ریاست جمهوری خاتمی نیز به نحوی مطرح شدند که البته با وجود عدم تمایلی که در وزارت کشور آن زمان در عدم برگزاری انتخابات وجود داشت، بدلیل تمکین محمد خاتمی به فرمان رهبری و اهتمام وی صدور دستورالعمل به استانداران و فرماندهان و هئیت های اجرائی در برگزاری آرام انتخابات، نهایتا مشکلی پیش نیامد. بهرحال با در نظر گرفتن دوگزاره قطعیت، و زمان وقوع فتنه در سخنان سردار سپاه، تردیدی نمی ماند که در اتاق مهندسی انتخابات، طرح پیشدستانه ای برای برکناری دولت در زمان مناسب و چه بسا در دقایق نزدیک به ۹۰- در صورتی که هرگونه نشانه ای از تمرد احمدی نژاد دیده شود-مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و تدارک آن به یک امر جدی تبدیل شده است، آنقدر جدی که رژیم عملا مشغول اطلاع رسانی پیرامون است.

اما آن چه که سبب گشته سردمداران رژیم فتنه ۹۲ را توطئه ای بزرگتر و خطرناک تر از رویدادهای ۸۸ به حساب بیاورند، از واقعیت های زیرسرچشمه می گیرد:

نخست آن که این بار دامنه بحران و شکاف و جراحی به درون صفوف کمپ اصول گرایان کشیده شده است. نباید فراموش کرد که انگیزه اصلی تصفیه های گذشته ، ایجاد یکدستی و به اصطلاح حاکمیت یگانه بود با توجه به دوگانگی ها و شکاف های دوران موسوم به اصلاح طلبی. اما آن چه که در عمل بوجود آمد، برخلاف اهداف و آرزوهای دستگاه ولایت، کشیده شدن معرکه رقابت ها و نزاع ها به درون قلعه اصلی قدرت یعنی صفوف اخص اصول گرایان و فلج شدن بیش از پیش نظام از درون بود. در اینجا دشمن خودی است و مشغول گل زدن به خود. و از قضا توسط کسی است که بیش از همه تحت الحمايه شخص رهبر بوده است. عامل دوم مربوط به عمق و ابعاد همه جانبه بحران اعم از داخلی و خارجی و یا سیاسی و اقتصادی و لاجرم افزایش شکنندگی رژیم است. عاملی که با حک کردن شکست تمام عیار برپیشانی رژیم در طی یک دوره ۸ ساله، موجب بی اعتمادی به رهبری و افول اقتدار وی به مثابه ناخدای غیر قابل اعتماد و قادر به هدایت کشتی در میان امواج طوفان است. از همین رو رقبای مورد تحقیر و سرکوب قرار گرفته، سر بلند کرده و خواهان سهم بیشتری از کیک قدرت هستند. از این نظر جناح حاکم باید همزمان در چند جبهه به جنگد. و از آن جا که جراحی بر بدن بیمار و بر روی بستری مذاب و سوزان از انباشت بحران فراگیر و همه جانبه صورت می گیرد، نگرانی رژیم بسی بیشتر از گذشته است. حتی می توان گفت رژیم

اگرهم بتواند بحران موجود و پیش انتخاباتی را بطور کامل مهار و مهندسی نماید و آنرا در راستای امیال و منافع باند حاکم حل کند، بسیار موقتی بوده و بادی را می‌کارد که محصولش طوفان بیشتر است. بعید است آرامش گورستانی ناشی از یکدست سازی، این بار حتی چند صباحی هم بتواند دوام داشته باشد و دعوا در میان خودی ترها به معنی فلج شدن هرچه بیشتر سیستم از درون است. در حقیقت در فضای پس از انتخاباتی احتمال تقارن و همزمانی فوران تضادها و بحران های درون سیستمی و بیرون سیستمی افزایش خواهد یافت. درکل رژیم برسر دوراهی انتخاب قرارگرفته است. از یکسو با ادامه سیاست های تاکنونی اش قادر به حفظ تعادل خود نخواهد بود و از سوی دیگر نگران از پی آمدهای تصمیمات اجتناب ناپذیری است که در برابرش قرارگرفته و خواهی نخواهی تناسب قوای درونی موجود را تحت تأثیر خود قرارخواهد داد.

چه بسا بهم خوردن تعادل تاکنونی رژیم، بتواند فرصت هائی برای پیشروی جنبش مستقل ضداستبدادی- مطالباتی و براساس دست آوردهای تجربه ۸۸ فراهم آورد. اما در این میان دوخطر جدی بهره برداری از این فرصت های محتمل را تهدید می کند: نخست چند وجهی بودن نزاع های درونی رژیم است که می تواند تمرکز اصلی را از مبارزه علیه کلیت نظام و در مرکز آن ولایت فقیه به مثابه قلب تپنده نظام درمحاق ببرد (احمدی نژاد بهرحال تاریخ مصرفش تمام شده، باید قلب نظام را هدف گرفت)، و دیگری شنیدن بوی کباب است- ولو آن که خطای شامه باشد، چنان که در دیدار اخیر آن ها با خامنه ای، وی صراحتاً توبه از مخالفان نظام را به آن ها نصیحت کرد- توسط اصلاح طلبانی است که خود را آماده مشارکت تمام قد و باصطلاح حداکثری در بازی انتخاباتی باند حاکم و داغ کردن تنور آن، به سودای برخورداری سهمی از قدرت می کنند. چنان که خاتمی اعلام کرده است اصلاح طلبان برای نجات کشور هم برنامه دارند و هم نیروی اجرائی! و موج طومارنویسی ها برای دعوت از وی نیز به راه افتاده است. از همین رو تمرکز بر روی این دو رویکرد و توهماتى که آن ها در سطح جامعه می پراکنند ، نقداً برای زنده کردن فرصت های بالقوه واجد اهمیت است.